با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

دسترسی وکلا به سامانه ثنا ایجاد شود

بیش از یک‌ماه است که امکان دسترسی وکلا به سامانه ثنا (عدل ایران)مقدور نیست. وکلا از طریق این سامانه می‌توانند شکایات و دادخواست‌های تنظیم شده، لوایح و وکالتنامه الکترونیکی را ارسال کنند همچنین پیگیر پرونده‌ها باشند. از مرجع انفورماتیک قوه قضاییه تقاضا داریم نسبت به رفع این مشکل اقدام نماید.

بابایی از کرج

عدم‌انتقال پست برق مانع بازگشایی خیابان باهنر قوچان شده است

یک پست برق فشار قوی در خیابان شهید باهنر شهر قوچان کنار شهرداری و شورای شهر واقع شده که مانع بازگشایی خیابان توسعه‌یافته شده است. مسیر اول این خیابان با عقب نشینی ساختمان‌ها چند سال است که ایجاد شده است اما پست برقی ابتدای خیابان با وجود ساخت اتاقک در ساختمان شورای شهر به جهت منتقل کردن آن از ۲سال قبل به حال خود رها شده و هنوز منتقل نشده است و همین موضوع باعث شده مسیر برگشت بازگشایی نشود و مدام این خیابان درگیر ترافیک‌های سنگین باشد. برداشت این پست برق و انتقال آن به مکان ساخته شده در ساختمان شورای شهر قوچان کمک زیادی به روان‌سازی ترافیک خواهد کرد.

محمدی از قوچان

نصب اجباری پیام‌رسان برای تأیید دارو درست نیست

به تازگی برای تأیید نسخه دارویی خود مراجعه کردم که متوجه شدم باید پیام رسان داخلی نصب کنم. بنده نه پیام‌رسان داخلی دارم نه خارجی و نه حتی گوشی هوشمند. ولی گلایه این است که این چه اجبار است که گذاشته‌اند که حتما پیام‌رسان نصب کنید.

شرفی از بابل

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

جلوی ورود آقایان به واگن خانم‌ها در مترو گرفته شود

مدتی است که آقایان به بهانه عجله و کمبود جا وارد واگن مخصوص خانم‌ها می‌شوند. وقتی هم که اعتراض می کنیم می گویند که خانم‌ها هم بسیاری از اوقات از واگن‌های مخصوص آقایان استفاده می کنند! با توجه به اینکه مترو تقریبا همیشه شلوغ است و مسافرین باید تنگاتنگ هم بایستند این وضعیت آزاردهنده است وموجب سلب امنیت روانی بانوان می‌شود. از مسئولان مترو خواهشمندیم جلوی این رویه غلط را بگیرند.

علایی از تهران

اینترنت همراه اول قم بسیار ضعیف است

مدتی است که اینترنت همراه اول در شهر قم یا اصلا کار نمی کند و یا بسیار ضعیف عمل می کند. این وضعیت کاربران را کلافه کرده است. اپراتور همراه اول موظف است در ازای وجهی که دریافت می کند خدمات درست و اصولی ارائه دهد نه اینکه صرفا به فکر منافع شرکت خودش باشد.

چهره قانی از قم

در خیابان‌ها و بوستان‌های شهر درخت اکالیپتوس کاشته شود

درخت اکالیپتوس جزو گیاهان بسیار پرخاصیت و مفید است. این درخت علاوه بر اینکه با آب و هوای شهر تهران سازگار است به آبیاری کمی نیاز دارد مقاوم است و برگ‌های آن هم خاصیت دارویی دارد. بهتر است درختانی از این قبیل جایگزین درختانی شوند که نیاز به آبیاری زیادی دارند و یا مراقبت و رسیدگی زیادی می خواهند.

حیدرنژاد از تهران

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

قیمت قارچ باور نکردنی شده است

هر چند قارچ جزو اقلام اصلی غذایی نیست ولی آیا نباید نظارتی روی قیمت آن صورت گیرد اما روز پنجشنبه قارچ فله‌ای را کیلویی ۷۰هزار تومان خریدم. واقعا دیگر از قیمت‌ها سر درنمی آورم.

قربانی از کرج

پاسخ مسئولان

اقدامات شرکت بهره‌برداری مترو برای ساماندهی دستفروشان به تنهایی پاسخگو نیست

روابط عمومی شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه پیرو چاپ پیام مردمی با عنوان «بساط کردن دستفروشان در ایستگاه‌های مترو نیازمند برخورد قانونی است» در ستون با مردم روز ۱۷آذرماه پاسخ داده است: ضمن تشکر از مسافر گرامی، به اطلاع می‌رساند کاملا حق با این مسافر گرامی است و برای دستفروشان که آرامش را از مسافران محترم مترو گرفته‌اند باید چاره‌ای اندیشید و شرکت بهره‌برداری متروی تهران نیز چنین هدفی را دنبال می کند. این شرکت با تمام امکانات در مورد پیشگیری از حضور دستفروشان به‌خصوص در واگن‌های ویژه بانوان محترم و حل این مشکل اقدام کرده است ولی برای کاهش حضور این افراد در ایستگاه‌ها و قطارها، نیازمند همراهی جدی سازمان‌های متولی و همچنین همیاری مسافران محترم است و اقدامات این شرکت به تنهایی نمی‌تواند مانع از حضور و فعالیت و یا ساماندهی دستفروشان باشد. گفتنی است که شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه در راستای رسالت خود در جهت تامین امنیت و آرامش مسافران محترم در طول سفر، اقدام به پخش پیام‌های بازدارنده از طریق پیج ایستگاه‌ها و پخش فیلم‌های آموزشی مضرات خرید از دستفروشان و کمک به متکدیان در مترو‌های داخل ایستگاه‌ها و قطارها و نصب بنرهای آموزش شهروندی در ایستگاه‌ها نموده است.

آخرین طعمه زن سارق بیهوش نشد تا اسرار او را بر ملا کند

سرقت‌های سریالی پرستار قلابی در بیمارستان‌ها

دادسرا

زن جوان با تهیه آبمیوه مسموم راهی بیمارستان‌ها می‌شد تا نقشه سرقت‌هایش را عملی کند. او گاهی لباس پرستار به تن می‌کرد و با بی‌هوش کردن بیماران، طلاهایشان را می‌دزدید. به گزارش همشهری، چندی قبل زن جوانی با پلیس تماس گرفت و گفت به دام یک سارق فریبکار گرفتار شده است. وی توضیح داد: یکی از بستگانم بیمار و در بیمارستانی در شمال تهران بستری شده بود. من هم به‌عنوان همراه، به بیمارستان رفته بودم که هنگام هواخوری در حیاط با زنی جوان آشنا شدم. او خودش را شهرزاد معرفی کرد و گفت برای پیگیری وضعیت مادرش که در یکی از بخش‌ها بستری است، به بیمارستان آمده. شهرزاد سر صحبت را باز کرد و لحظاتی بعد از داخل کیفش دو پاکت آبمیوه درآورد و یکی از آنها را با اصرار به من داد. پس از خوردن آبمیوه، دچار سرگیجه عجیبی شدم و از هوش رفتم. چشمانم را که باز کردم روی تخت بیمارستان بودم و سرمی به دستانم وصل بود. بعد از پرس‌وجو متوجه شدم که شهرزاد با آبمیوه مسموم مرا بیهوش کرده و طلاهایم را دزیده است. او به دروغ مدعی شده بود که مادرش در بیمارستان بستری است و بعد از جلب اعتماد من و اجرای نقشه‌اش، انگشتر، دستبند، گردنبند، گوشواره و ساعت گران‌قیمتم را دزدیده بود.

۳زن در یک قدمی مرگ

با این شکایت، پرونده‌ای تشکیل شد و مأموران به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای ویژه سرقت تحقیقات برای شناسایی و بازداشت زن سارق را آغاز کردند. در ادامه بررسی‌ها چند شکایت مشابه دیگر نیز پیش روی تیم تحقیق قرار گرفت که نشان می‌داد زن جوان به‌صورت سریالی دست به سرقت در بیمارستان‌ها می‌زند. او با حضور در بیمارستان‌های شمال و غرب پایتخت، سر صحبت را با همراهان بیماران باز کرده و خودش را شهرزاد معرفی می کرد، سپس با تعارف آبمیوه مسموم، طعمه‌هایش را بیهوش و طلاهایشان را سرقت می کرد. هرچه تحقیقات پیش می‌رفت تعداد شاکیان بیشتر می‌شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که او علاوه بر سرقت از همراهان بیماران، گاهی از خود بیماران هم سرقت می کرد. وی در این سرقت‌ها لباس پرستار به تن می کرد و بالای سر بیماران می‌رفت و پس از بیهوش کردن آنها با آبمیوه مسموم، طلاهایشان را می‌دزدید. در جریان سرقت‌های این زن، ۳نفر به‌دلیل خوردن آبمیوه مسموم به کما رفته بودند اما با تلاش پزشکان از یک قدمی مرگ به زندگی برگشتند.

طعمه هوشیار

کارآگاهان برای شناسایی این سارق حرفه‌ای به بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته بیمارستان‌ها پرداختند اما زن سارق همیشه ماسک به‌صورت داشت و سرنخی از خود به‌جا نمی‌گذاشت. درحالی که تحقیقات به شکل ویژه در این پرونده ادامه داشت، یکی از طعمه‌های این زن باعث دستگیری او شد. ماجرا از این قرار بود که چند روز قبل شهرزاد برای شناسایی طعمه تازه به یکی از بیمارستان‌های پایتخت رفت. او با دیدن همراه یکی از بیماران که مقدار زیادی طلا همراهش بود، به سراغ او رفت و طبق نقشه‌ای که داشت سر صحبت را باز کرد. لحظاتی بعد پاکت آبمیوه مسموم را به طعمه‌اش داد و وی آن را نوشید اما ظاهرا داروی بیهوشی روی این زن اثر نکرد و فقط باعث شد که دچار سرگیجه شود. زن جوان که به ماجرا مشکوک شده بود، چشمانش را بست و خودش را به بی‌هوشی زد. همان لحظه شهرزاد دست به‌کار شد و به سراغ النگوهای طعمه‌اش رفت که زن جوان چشمانش را باز کرد و با سر و صدا، درخواست کمک کرد. به این ترتیب مأموران حراست بیمارستان رسیدند و شهرزاد دستگیر شد. همزمان ماجرا به پلیس گزارش شد و زن سارق به اداره آگاهی انتقال یافت و در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی در بیمارستان‌های پایتخت اقرار کرد. پس از اعترافات او، بازپرس پرونده برای وی قرار قانونی صادر کرد و متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار اداره آگاهی تهران قرار گرفت.

گفت‌وگو

آزمایش‌های عجیب یک سارق

زن سارق می گوید نخستین بار است که دستگیر شده و هیچ سابقه کیفری ندارد. اسمش سولماز است اما همه‌جا خودش را شهرزاد معرفی می کرد. این زن مدعی است برای تامین خرج ۲فرزندش دست به سرقت می‌زده است. گفت‌وگو با او را بخوانید.

ایده چنین سرقتی چطور به ذهنت خطور کرد؟

چند ماه قبل بیمار شدم و برای درمان رفتم بیمارستان. در آنجا شاهد یک صحنه سرقت بودم؛ البته با داد و فریادهای من سارق نتوانست نقشه‌اش را عملی کند اما من از شگرد او خوشم آمد و تصمیم گرفتم با این ترفند از مردم سرقت کنم.

شگرد او چه بود؟

آن روز دیدم زنی به زن دیگری که همراه یکی از بیماران بود آبمیوه تعارف کرد. من در گوشه‌ای دور از چشم آنها نشسته و شاهد ماجرا بودم. وقتی آن زن پس از خوردن آبمیوه از هوش رفت، با چشم خودم دیدم که زن جوان شروع کرد به سرقت طلاهای او و با دیدن این صحنه، داد و فریاد راه انداختم و زن سارق از ترسش نقشه‌اش را ناتمام رها کرد و متواری شد. بعد از چند دقیقه هم دیدم که آن زن به هوش آمد و همان موقع جرقه‌ای در ذهنم زد و تصمیم گرفتم با همین شگرد سرقت کنم.

از کجا می‌دانستی که چقدر دارو در آبمیوه بریزی که طعمه‌ات به اغما نرود؟

راستش دز دارو را چندبار روی خودم امتحان کردم تا سلامتی و جان آدم‌ها را به بازی نگیرم. دارو را در آبمیوه ریختم و خوردم و آنقدر روی خودم امتحان کردم تا دز مناسب دستم آمد. مثلا گاهی یک ساعت خواب بودم گاهی ۷یا ۸ساعت. اما می‌خواستم طوری تنظیم کنم که طرف در نهایت ۲ساعت عمیق بخوابد تا من سرقت را انجام بدهم. حتی می خواستم دستم بیاید که طرف چند ساعت بعد از نوشیدن آبمیوه مسموم، بیهوش می‌شود.

به این فکر نکردی که واکنش بدن افراد در برابر داروها متفاوت است؟

بعد از اینکه سرقت‌ها را شروع کردم، متوجه این ماجرا شدم. یک نفر فورا بیهوش می‌شد اما نفر دیگر حتی یک ساعت طول می کشید تا به‌صورت عمیق بخوابد. من هم ناچار بودم یک ساعت سر طرف را گرم و با او صحبت کنم تا دارو عمل کند و طعمه‌ام بیهوش شود.

اما با این کار، ۳نفر را تا یک قدمی مرگ پیش بردی و جانشان را به خطر انداختی؟

درست می گویید. خدا رحم کرد که زنده ماندند. در غیر اینصورت عذاب وجدان تا آخر عمرم رهایم نمی کرد و معلوم نبود سرنوشتم چه می‌شد.

علاوه بر همراهان بیماران، سراغ خود بیماران هم می‌رفتی؟ مگر آنها هم طلا داشتند؟

بعضی‌ها طلا همراهشان بود که اتفاقی متوجه این قضیه شدم. برای همین از آنها هم سرقت می کردم.

لباس پرستاری از کجا می آوردی؟

می‌رفتم توی رختکن و یک لباس پرستاری می‌پوشیدم و بالای سر بیماران حاضر می‌شدم. وانمود می کردم پرستار هستم و بیماران هم شک نمی کردند.

چند وقت است دست به سرقت می‌زنی؟

از تابستان امسال.

با طلاهای مسروقه چه می کردی؟

می‌فروختم و خرج زندگی‌ام را می‌دادم. من ذاتا خلافکار نیستم. هربار بعد از دزدی دچار عذاب وجدان می‌شدم اما چاره‌ای نداشتم. تا قبل از این هرجا برای کار رفتم، به بن‌بست خوردم. یا کار مناسبی پیدا نمی‌شد و اگر هم پیدا می‌شد حق و حقوقم را درست و حسابی نمی‌دادند. من دو فرزند دارم و سرپرست خانواده‌ام هستم. چون شوهرم سال‌ها قبل فوت شد و من ناچار بودم کار کنم تا خرج زندگی و بچه‌هایم را بدهم اما حالا که گیر افتاده‌ام به‌شدت نادم و پشیمان هستم

اسرار ناپدید شدن دختر ۲۵ساله پس از ۱۱ماه فاش شد

بی‌گناهی کتاب‌فروش در پرونده گم‌شدن دختر جوان

داخلی

دختر ۲۵ساله که از دی‌ماه سال گذشته ناپدید شده بود به خانه برگشت تا انگشت اتهام از روی یک جوان کتاب‌فروش کنار برود.

به‌گزارش همشهری، چند ماه پیش، خانواده دختری ۲۵ساله از تبریز راهی اداره آگاهی تهران شدند. آنها گفتند که دخترشان از دی‌ماه سال گذشته ناپدید شده و آنها سرنخ‌هایی از وی در تهران به‌دست آورده‌اند.

پدر او توضیح داد: ما ساکن تبریز هستیم و دخترمان آخرین‌بار برای شرکت در جشن تولد یکی از دوستانش از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. او زمانی که در مراسم تولد بود برای من و مادرش پیام فرستاد که تا ساعتی دیگر به خانه برمی گردد اما از آن شب به طرز مرموزی ناپدید شد.

وی ادامه داد: در این مدت همه‌جا را به‌دنبال دخترمان گشتیم اما ردی از او پیدا نکردیم. حتی نزد پلیس رفتیم و کمک خواستیم اما تحقیقات پلیس هم به نتیجه نرسید؛ تا اینکه هفته قبل یک بسته عجیب پستی به دستمان رسید. وقتی پستچی بسته را به ما تحویل داد نام دخترمان به‌عنوان گیرنده روی آن نوشته شده بود. بسته از تهران ارسال شده و فرستنده یک پسر بود. بسته را که باز کردیم پر بود از کتاب‌های مختلف که برای دخترمان فرستاده شده بود. چون فرستنده از تهران بود، احتمال دادیم وی از سرنوشت دخترمان باخبر است و به همین دلیل راهی پایتخت شدیم تا شاید ردی از او به‌دست آوریم.

با اظهارات والدین دختر ناپدید شده، تحقیقات پلیس به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که دختر ناپدید شده چند روز پس از جشن تولد دوستش به یک کتاب‌فروشی در تهران رفته و کتاب خریده است.

در این شرایط، صاحب کتاب‌فروشی که امین نام دارد احضار شد. او گفت: مدتی قبل دختر جوانی برای خرید کتاب به مغازه‌ام آمد و سفارش چند کتاب داد. از آنجایی که کتاب‌ها آماده نبود و انتشار چاپ جدید آنها چند ماه طول می کشید، قرار شد سفارش وی را برایش تهیه و ارسال کنم. چون قبلا به‌صورت اینترنتی سفارش داده و آدرس او تبریز بود، کتاب‌ها را به همان آدرس ارسال کردم و دیگر خبری از آن دختر ندارم.

درحالی که پسر جوان مدعی بود بی گناه است، مأموران به بازرسی خانه او پرداختند که در آنجا کارت عابر بانک دختر گمشده پیدا شد. در ادامه و در انباری خانه امین، آثار لکه‌های خون به‌دست آمد که همین ۲ مدرک انگشت اتهام را به سمت او برد. وی بازداشت شد اما همچنان مدعی بود که بی گناه است. او توضیح داد: دختر جوان وقتی چند ماه پیش به مغازه‌ام آمد، کارت عابربانک را جا گذاشت من کارت او را برداشتم و منتظر بودم که اگر برگشت، به وی تحویل بدهم. آثار خون نیز برای روزی است که در حال جابه‌جایی قفسه‌ها در انباری خانه‌ام بودم. آن روز پایم زخم شد و کمی خون روی زمین ریخت. اما این توضیحات برای تیم جنایی کافی نبود. به همین دلیل بازپرس جنایی دستور بررسی لکه‌های خون کشف شده در انباری خانه جوان کتاب‌فروش را صادر کرد که معلوم شد متعلق به دختر گمشده نیست. در این شرایط همچنان انگشت اتهام به سمت پسر جوان بود تا اینکه چند روز قبل دختر گمشده به دادسرای جنایی تهران رفت و گفت که در این مدت در یک پانسیون زندگی می کرده است. او توضیح داد: مدتی بود که با خانواده‌ام دچار مشکل شده بودم و آنها مرا اذیت می کردند. مدام به من گیر می‌دادند و هرکاری می‌خواستم انجام بدهم ایراد می گرفتند. حتی اجازه نداشتم گوشی موبایلم را در دست بگیرم.

وی ادامه داد: یک روز سفره دلم را نزد یکی از دوستانم باز کردم و به پیشنهاد او تصمیم گرفتم مدتی از خانواده‌ام دور بمانم. به همین دلیل با برداشتن طلای خود و مادرم راهی پایتخت شدم و در پانسیون زندگی می کردم. اما چند روز قبل متوجه شدم خانواده‌ام در جست‌وجوی من هستند و همه تصور می کنند به قتل رسیده‌ام. حتی شنیدم پلیس به یک جوان کتاب‌فروش مشکوک است و چون دچار عذاب وجدان شده بودم، تصمیم گرفتم حقایق را فاش کنم. بنا بر این گزارش، با افشای حقایق، انگشت اتهام از سوی جوان کتاب‌فروش کنار رفت و دختر جوان نیز نزد خانواده‌اش برگشت.

مامور پلیس نیویورک در دادگاه به تحمل ۲۵سال حبس محکوم شد

محاکمه افسر پلیس به اتهام قتل پسرش

خارجی

افسر پلیس شهر نیویورک که ۲سال پیش به اتهام شکنجه و قتل پسر ۸ساله‌اش دستگیر شده بود، در دادگاه به تحمل ۲۵سال زندان محکوم شد.

به گزارش همشهری به نقل از نیویورک پست، در ژانویه سال ۲۰۲۰ مایکل والوا، افسر پلیس نیویورک با اورژانس تماس گرفت و درخواست کمک کرد. او گفت: «اسم من مایکل است. من یک افسر پلیس در شهر نیویورک هستم. پسرم، نمی‌دانم نفس می کشد یا نه. نمی‌دانم قلبش ایستاده یا نه. او ناگهان به زمین افتاد و سرش به زمین کوبیده شد. من او را به خانه آورده‌ام و در حال عملیات احیای قلبی هستم. لطفا کمکم کنید.»

به‌دنبال این تماس، نیروهای اورژانس راهی خانه افسر پلیس شدند و با دیدن پیکر بی‌جان پسربچه ۸ساله به نام توماس، او را به بیمارستان منتقل کردند. پسربچه‌ای لاغر اندام و نحیف که آثار کبودی روی بدنش قابل مشاهده بود. در همان معاینات اولیه معلوم شد این پسربچه پیش از مرگش شرایط بسیار سختی را تحمل کرده بود. آثار کبودی جدید و قدیمی روی بدنش از این حکایت داشت که او شکنجه می‌شده است.

با گزارش ماجرا به پلیس، تحقیقات درباره مرگ توماس ۸ساله شروع شد. بررسی‌های پلیس حقایق وحشتناکی را فاش کرد و مشخص شد که توماس و برادر ۱۰ساله‌اش توسط پدرشان شکنجه می‌شدند. مسئولان مدرسه آنها می گفتند که هر دو پسربچه آنقدر در خانه گرسنگی کشیده بودند که اگر تکه غذای بقیه دانش‌آموزان روی زمین می‌افتاد، آن را برمی‌داشتند و می‌خوردند. مسئولان مدرسه می گفتند که چندبار به اداره حفاظت از کودکان مراجعه کرده و درباره شرایط این دو برادر توضیح داده بودند، اما ظاهرا فایده‌ای نداشته است. ماموران پلیس در ادامه راهی محل زندگی توماس و برادرش شدند و در بازبینی دوربین‌های مداربسته به حقایق بیشتری دست یافتند. حقایقی که نشان می‌داد پدرشان در شب‌های سرد زمستان آنها را مجبور می کرد که در پارکینگ یخ زده خانه‌شان بخوابند و هیچ غذایی به آنها نمی‌داد.

ماموران در بررسی فیلم‌های دوربین مداربسته به جزئیات شب حادثه نیز دست یافتند. فیلم‌ها نشان می‌داد که آن شب، هر دو پسر خردسالش را مجبور کرده بود که در پارکینگ یخ‌زده بخوابند اما در نیمه‌های شب، وقتی توماس خود را کثیف کرد، پدرش او را از پارکینگ بیرون کشید و پس از باز کردن شیر آب، در هوای سرد زمستانی شروع به شستن وی کرد. همین باعث شد که توماس از شدت سرما چندبار تلو خورده و با سر روی زمین بیفتد. او آخرین بار که روی زمین افتاد دیگر بلند نشد و پدرش وی را به داخل خانه برد و بعد با اورژانس تماس گرفت و به دروغ مدعی شد که توماس دچار حادثه شده است.

با به‌دست آمدن این اطلاعات، افسر پلیس نیویورک بازداشت شد و در نهایت جلسه محاکمه وی چند روز قبل برگزار شد. قاضی ویلیام کاندون پس از صدور حکم ۲۵سال حبس برای این پدر بی‌رحم به خبرنگاران گفت: این پراسترس‌ترین محاکمه‌ای بود که تا به حال در آن شرکت داشتم. همه کسانی که در این پرونده درگیر بودند از شدت بی‌رحمی چنین پدری و شکنجه‌های وحشیانه او، مدت‌ها خوابشان نبرد و کابوس می‌دیدند. در این پرونده زن جوانی که به‌تازگی با افسر پلیس نیویورک نامزد کرده بود نیز بازداشت شده و قرار است جلسه محاکمه او نیز چند ماه دیگر برگزار شود.

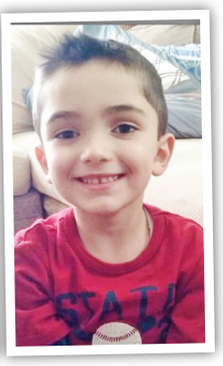

کوتاه از حادثه

شهادت ۴ مدافع امنیت در حمله تروریست‌ها

حمله تروریست‌های مسلح به نیروهای مدافع امنیت سپاه پاسداران در منطقه مرزی سراوان به شهادت ۴نفر از آنها منجر شد.

به گزارش همشهری، صبح دیروز (دوشنبه) در اقدامی تروریستی و درگیری ایجاد شده بین گروهک‌های تروریستی با نیروهای تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم نیروی زمینی سپاه پاسداران در منطقه مرزی سراوان، ستوان‌دوم پاسدار محمد گودرزی به همراه ۳ نفر از بسیجیان طرح امنیت به نام‌های رحیم بخش‌پرکی (اهل سنت)، حمیدرضا عابدی و محمود نیک‌خواه‌زاده به شهادت رسیدند.

به‌دنبال این حادثه با حضور مقتدرانه و حجم سنگین آتش، مدافعان امنیت عناصر گروهک تروریستی به خاک پاکستان گریختند.

روابط عمومی قرارگاه قدس جنوب شرق در اطلاعیه‌ای با عرض تبریک و تسلیت به ملت شهید پرور ایران اسلامی و خانواده معزز شهدا اطمینان داد جان برکفان این قرارگاه پاسخ سختی به عاملان این حادثه تروریستی و دست‌نشاندگان آنها در جنوب شرق کشور خواهند داد.

دستگیری سرهنگ قلابی توسط مأموران واقعی

تبهکار حرفه‌ای که لباس نظامی با درجه سرهنگی به تن می‌کرد، با پرسه زدن در خیابان‌های شهر از شهروندان اخاذی و کلاهبرداری می کرد.

به گزارش همشهری، چند روز قبل مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو هنگام گشتزنی در خیابان با مرد جوانی روبه‌رو شدند که لباس نظامی به تن داشت و درجه سرهنگی نصب کرده بود. مأموران که به رفتار این فرد مشکوک شده بودند برای دقایقی او را تحت‌نظر گرفتند تا اینکه وقتی رفتارهای غیرعادی او را دیدند پی بردند که به‌احتمال زیاد او یک مأمور قلابی است. در این شرایط بود که مأموران جلو رفته و از او کارت شناسایی خواستند. مرد جوان که تا آن لحظه وانمود می کرد سرهنگ است خودش را باخت و توضیح قانع‌کننده‌ای نداشت و دستش برای مأموران واقعی رو شد.

ماموران در جریان بازرسی کیفی که همراه این مأمور قلابی بود یک قبضه کلت کمری، یک رشته دستبند فلزی، بیسیم دستی، شوکر، یک تیغه سلاح سرد و کارت شناسایی جعلی با درجه سرهنگی از متهم کشف کردند. همچنین از خودروی متهم که در همانجا پارک شده بود نیز تعدادی پلاک تقلبی و تجهیزاتی مثل آژیر و ال‌ای‌دی کشف شد.

به‌دنبال دستگیری این مأمور قلابی او برای انجام تحقیقات بیشتر به کلانتری منتقل شد. متهم ۴۰ ساله وقتی تحت بازجویی قرار گرفت اعتراف کرد که از مدتی قبل با استفاده از لباس و تجهیزات نظامی در خیابان‌های شهر پرسه زده و به بهانه‌های مختلف از شهروندان کلاهبرداری و اخاذی کرده است.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با اعلام خبر دستگیری این متهم گفت: متهم پس از تشکیل پرونده برای ادامه روند رسیدگی به اتهاماتش روانه دادسرا شد. او ادامه داد: هم‌اکنون متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد. او از شهروندان خواست درصورت مشاهده چنین افرادی موضوع را از طریق تماس با پلیس ۱۱۰ گزارش کنند.

جزئیات پنجمین جلسه محاکمه مقصران سقوط هواپیمای اوکراینی

رسیدگی قضایی به پرونده مقصران سقوط هواپیمای اوکراینی که به جان باختن ۱۷۶سرنشین آن منجر شد همچنان ادامه دارد و در پنجمین جلسه محاکمه شماری از شاکیان به بیان شکوائیه‌شان پرداختند.

به گزارش همشهری، هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ متعلق به شرکت هواپیمایی اوکراین اینترنشنال با شماره پرواز ۷۵۲ساعت ۶:۱۲ دقیقه صبح روز ۱۸دی ماه سال ۹۸ با ۱۶۷سرنشین از فرودگاه امام خمینی (ره) به مقصد کی‌یف به پرواز درآمد اما پس از دقایقی در شاهدشهر سقوط کرد و ۳روز بعد ستاد کل نیروهای مسلح ایران اعلام کرد که هواپیما بر اثر بروز خطای انسانی و غیرعمد، هدف اصابت موشک پدافند هوایی قرار گرفته است.

به‌دنبال این حادثه پرونده‌ای علیه مقصران آن تشکیل و از آنجا که اغلب آنها نظامی بودند به دادگاه نظامی استان تهران فرستاده شد. در روزهای گذشته چند جلسه برای رسیدگی به این پرونده تشکیل شد و روز گذشته پنجمین جلسه محاکمه برگزار شد.

براساس اعلام مرکز رسانه قوه قضاییه، قاضی ابراهیم مهرانفر در پنجمین جلسه دادگاه پرونده سقوط هواپیمای اوکراینی گفت: دادگاه به‌عنوان یک مرجع بی‌طرف در حال طی مراحل دادرسی است. وی خطاب به وکلا و خانواده جانباختگان ادامه داد: همه دلایل و مدارک ارائه شده را شنیده و بررسی می کنیم و قطعاً به همه موارد توجه می‌شود. قاضی با بیان اینکه دادگاه اصل بی‌طرفی را رعایت خواهد کرد، گفت: در راستای کشف حقیقت با هیچ‌کس تعارف نداریم و هرکجا لازم باشد از فرد یا مسئولی سؤال شود، این کار را خواهیم کرد و مطلعان، کارشناسان و متخصصان درصورت ضرورت به دادگاه دعوت خواهند شد.

قاضی مهرانفر با اشاره به اظهارات متهم ردیف اول در جلسه چهارم دادگاه گفت: اظهارات متهم در جلسه گذشته در حد توضیحات اولیه بود و سؤالات بسیاری باقی مانده است که باید از سایر متهمان پرسیده شود و آنها نیز باید پاسخگو باشند.

براساس این گزارش، در پنجمین جلسه دادگاه یکی از وکلای جان‌باختگان با دعوت قاضی در جایگاه قرار گرفت و نظرات و نکات خود در مورد پرونده را بیان کرد. همچنین ۸ نفر از اولیای دم جان‌باختگان با حضور در جایگاه اظهارات خود را مطرح کردند.

پنجمین جلسه دادگاه حدود ۴ ساعت طول کشید و قاضی مهرانفر با اعلام اینکه زمان جلسه بعدی دادگاه به خانواده جان‌باختگان و وکلای آنها ابلاغ می‌شود، ختم جلسه را اعلام کرد.